

تحلیل وضعیت، جایگاه و پتانسیل های
جامعه شیعیان در عربستان سعودی
(3)

تحلیل وضعیت، جایگاه و پتانسیل های جامعه شیعیان در عربستان سعودی (3)

مجموعه نابرابری ها و برخوردهای بعضاً نژادپرستانه حکام سعودی و فقهای وهابی، در طول سالیان گذشته سبب تولد جنبش های اعتراضی شیعیان و بروز ناآرامی هایی شده، که بررسی آنها می تواند زوایای آشکارتری را هویدا سازد. «سازمان انقلاب اسلامی» مهمترین جنبشی است که در میان شیعیان عربستان با تأسی از انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت و به بخشی از نیازهای شیعیان پاسخ داد که بعدها به «الحركة الاصلاحیه» تغییر نام داد. در مقاله حاضر به بررسی و تحلیل جنبش های شیعی و زمینه های شکل گیری این سازمان ها از سوی شیعیان پرداخته می شود.

بیان رخداد

در بخش قبلی مقاله حاضر به سیاست های تبعیض آمیز دولت عربستان سعودی بر اقلیت شیعی اشاره رفت و تبعیض های اعمال شده در طول سالیان گذشته در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی مطرح گشت که سهم مهمی را در انکار هویت شیعی در استان شرقی عربستان بر جای گذاشته است. در واقع نکته مهمی که می بایستی بدان توجه نمود این است که مجموعه نابرابری ها و تبعیض های چهارگانه که موجب محرومیت شیعیان از امکانات موجود را فراهم آورده است، نقش و سهم بسزایی در شکل گیری جنبش های شیعی و نارضایتی از وضعیت موجود و تولد تظاهرات از سوی این گروه را فراهم آورده که در مواردی منجر به کشته و زخمی شدن شیعیان در مناطقی چون قطیف، احساء و العوامیه گردیده است. بنابراین در این بخش از مقاله که در ادامه بخش های پیشین است به بررسی و تحلیل جنبش های شیعی و زمینه های شکل گیری این سازمان ها از سوی شیعیان پرداخته می شود. سازمان انقلاب اسلامی مهمترین جنبشی است که با تأسی از انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت و به بخشی از نیازهای شیعیان پاسخ داد که بعدها در روند تغییر و تحولات داخلی، منطقه ای و بخصوص تغییر نگاه رهبران و نخبگان جنبش، سازمان انقلاب اسلامی به جنبش اصلاحیه تغییر نام و ماهیت داد که در ادامه بدان اشاره می گردد.

تحلیل رخداد

مجموعه نابرابری ها و برخوردهای بعضاً نژادپرستانه حکام سعودی و فقهای وهابی، در طول سالیان گذشته سبب تولد جنبش های اعتراضی شیعیان و بروز ناآرامی هایی شده، که بررسی آنها می تواند زوایای آشکارتری را هویدا سازد. تبعیض های سیاسی در کنار تبعیض اجتماعی و اقتصادی، موجبات تبدیل شدن شیعیان به اپوزیسیون حکومت را فراهم و آنان را به جهت گیری های نظام حاکم حساس کرده و باعث شده است تا نارضایتی خود را به اشکال مختلف ابراز کنند. شرایط اجتماعی - اقتصادی و مذهبی شیعیان استان شرقی نقش بسیار مهمی را در روند سیاسی کردن و ظهور فعالیت های سیاسی شیعیان ایفا کرده و فضای مناسبی را برای تکوین اپوزیسیون شیعه فراهم آورده است. در حقیقت عملکرد ایجابی حکومت سعودی در رویارویی با رقبای داخلی، به ویژه شیعیان و حجازی ها، نقش موثری را در بازآفرینی

اختلافات مذهبی، اجتماعی و سیاسی کشور ایفا نموده است (1). در واقع شیعیان از طرز تحریف و بازسازی وقایع تاریخی ناراضی اند. پیروان تشیع نمی توانند ادعاهای وهابی ها مبنی بر رافضی بودن شیعیان را بپذیرند و به تسلط دایمی آنها بر حکومت عربستان رضایت بدهند. شیعیان در چنین شرایطی فقط به اقدامات دولت دل بسته اند و امید دارند که دولت از اشاعه الهیات وهابی جلوگیری خواهد کرد. بطور کلی شیعیان در زمینه بازسازی تاریخ و گذشته خودشان، موضع فعالی را اتخاذ کرده و قرائت موجود را نپذیرفته اند. این موضع گیری شیعیان در اقداماتی چون بازنویسی تاریخ منطقه خودشان، بخصوص الحساء که اکثریت جمعیت شیعی را در خود جای داده است، قابل مشاهده است. هر چند که در روایات رسمی تاریخ و در متون کلاسی عربستان، شیعیان از قلم افتاده اند، اما جامعه از طریق روشنفکران و نخبگان قرائت و تعبیر دیگری از تاریخ دارد که بر اساس آن شیعیان عبارتند از گروهی فعال، دارای هویت منطقه ای و جداگانه - نه کاملاً بیگانه - که در تاریخ حضور واقعی داشته اند (2). آثار حمزه الحسن، سخنگوی «الحركة الاصلاحیه» نمونه آشکاری از «سازمان انقلاب اسلامی» و تلاشی منظم برای دستیابی به اهداف شیعیان می باشد.

الحسن دو هدف اساسی را در آثار خودش دنبال می کند؛
1- شناسایی و ارزیابی تاریخ، فرهنگ و هویت شیعیان عربستان سعودی که از تاریخ رسمی این کشور حذف شده اند.

2- معرفی تبعیض هایی که حکام سعودی در مورد شیعیان اعمال می کنند (3)

از شکل گیری سازمان انقلاب اسلامی تا جنبش اصلاحیه به شکل قانونی، سازمان یا گروه سیاسی شیعی در عربستان فعالیت ندارد؛ اما تعدادی سازمان ها و شبکه های غیررسمی وجود دارند که مطالبات و حقوق شیعیان را دنبال می کنند (4). تا پیش از انقلاب ایران، مخالفت شیعیان با حکومت سعودی عمدتاً در قالب مشارکت در جنبش های چپگرا تبلور می یافت؛ جنبش هایی همچون حزب غیرقانونی کمونیست سعودی یا دیگر جنبش های چپگرای افراطی غیرقانونی. به گونه ای که شیعیان در جست و جوی جنبشی جهان شمول و غیرفرقه ای که آن ها را بپذیرد، با احزاب بعث عراق و سوریه یا با دیگر جنبش های مشابه در منطقه خلیج پیوند برقرار کرده اند (5).

در دهه 1970 زمینه های تأسیس سازمانی انقلابی با نام سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان شکل گرفت که تا چندین سال فعالیت های آن به صورت پراکنده بود. در سال 1975 این تشکل، فعالیت های خود را در منطقه شیعه نشین شرقیه متمرکز ساخت و پس از قیام کعبه و منطقه شرقیه در سال 1979 و بخصوص با تأسی از فضای انقلابی در ایران، رسماً اعلام موجودیت کرد. چون این سازمان بر اساس ایدئولوژی اسلامی طرح ریزی شده بود، تلاش داشت تا در وهله نخست به مردم آگاهی سیاسی دهد (6).

سازمان انقلاب اسلامی نقش مهمی را در مقطعی از تاریخ شیعیان عربستان بازی نمود که به زعم نویسندگان و تحلیل گران مسائل عربی بخصوص طیفی که در مورد شیعیان قلم فرسایی می کنند، نقش مهمی را در احیای هویت شیعی و امیدواری در بهبود شرایط مبارزاتی داشته است. در زمانی که هویت شیعیان استان شرقی بوسیله تبعیض های هدفمند و محرومیت ها و محدودیت های اعمال شده در حال انکار بود، شکل گیری چنین سازمانی به خوبی توانست موج جدیدی از خوشبینی به وضعیت در حال تغییر را در میان شیعیان بوجود آورد. اما در سالهای پایانی دهه 1980 و با توجه به اختلافات درونی و همچنین تبلیغات و فشارهای حکومت سازمان انقلاب اسلامی دچار ضعف گردید. در سال 1987 کمیته مرکزی جنبش تصمیم گرفت تا پس از

صدور فرمان عفو عمومی بوسیله پادشاه عربستان، به تدریج به کاهش تنش با دولت عربستان سعودی اقدام کند. بدین ترتیب سازمان از یک گزینه تهاجمی به دیدگاهی متعادل و مدرن تغییر جهت داد و علل آن نیز افزون بر پایان یافتن جنگ اول خلیج فارس، این بود که رهبران سازمان از پیام ها و تاکتیک های تهاجمی خسته شده و دریافته بودند که براساس واقعیت جمعیتی _ شیعیان نمی توانند انقلابی موفق را به راه اندازند و افزون بر آن الگوگیری از نمونه ایران نیز با واقعیت جامعه شیعی عربستان تناسب چندانی ندارد و با خشونت نمی توان به سازش بر سر مسائل مذهبی و سیاسی و اجتماعی رسید (7).

سازمان انقلاب اسلامی در اوایل سال 1991 به «الحركة الاصلاحیه» تغییر نام داد و اعلام کرد که خود را جنبشی وطن پرست می داند. سرانجام دولت سعودی به چند دلیل، که از جمله آنها تحولات ایدئولوژیکی جنبش اصلاحیه از حالتی انقلابی به اصلاحی بود، موافقت نمود تا با نمایندگان جنبش گفت و گو و مذاکره کند. با این حال پس از فرمان عفو عمومی در سال 1993 بیشتر اعضای جنبش به کشور بازگشتند و از راه گفت و گو کوشیدند مطالبات و خواسته های شیعیان را پیگیری کنند. یکی از این رهبران اصلی جنبش، شیخ حسن الصفار بود که در سال 1993 با قبول دعوت فهد به عربستان رفت. آل سعود طی مذاکرات و توافق با سازمان که منجر به پایان دادن به مبارزات آنها شد، توافق کرد که آزادی اعمال مذهبی در منطقه شیعه نشین احساء تضمین گردیده و شیعیان زندانی آزاد و تبعیض های شغلی نیز برداشته شود. اما پس از آنکه رژیم سعودی به تدریج اوضاع را مهار کرد، از عمل به مفاد قرارداد خودداری نمود، به نحوی که تاکنون این قرارداد عملی نشده است (8).

این جنبش اصلاح طلب شیعی که بارزترین جنبش شیعی است، با مصالحه و تسامح در برابر نظام، تأکید بر تحکیم موقعیت شهروندی شیعه در حکومت و مبارزه صلح آمیز و سیاسی با هدف دستیابی به حقوق خود همانند شهروندان دیگر و مشارکت در ایجاد دموکراسی و اصلاح در کشور شناخته می شود. در حال حاضر جنبش شیعیان در عربستان سعودی، روند دو وجهی و مسالمت آمیز خود را همچنان حفظ کرده است. در حال حاضر تا حدودی می توان گفت که اغلب شیعیان به این نتیجه رسیده اند که امنیت جامعه آن ها با بقای حکومتی که می تواند به خوبی از رفتارهای افراطی و کینه جویانه وهابی ها و سلفی ها جلوگیری کند، تأمین می گردد. از این رو تأکید بر وحدت ملی، همزیستی، همکاری و محوریت اسلام نیز برای از بین بردن تردیدها نسبت به عدم وفاداری به دولت طراحی شدند (9).

Joshua Teitelbaum, "The Shiites of Saudi Arabia," Current Trends in Islamist Ideology, Volume 10, (August 2010), see: <http://www.currenttrends.org/research/detail/the-shiites-of-saudi-arabia2> .. ()

Hamza al – Hassan, "AL-shiafi al – Mamalaka al-arabiyya al-saudiyya," 863-87 (1389) vols. 1 and 2 Beirut: Mu assasat al-bagi li ihya al-turath, 1993.4 (1386) 92 . « » . 765 . « » . 8 . (1383) :1406-141 . (–) (:1384) 2047 . () (:1386)